

«فرهیختگان» درباره اولویت حذف یارانه پردرآمدها گزارش می‌دهد

۱۷ درصد درآمد روستایی‌ها از یارانه تامین می‌شود

صفحه ۱۶



دفاع کارگردان پرفروش از طنزهای جدید

درگفت‌وگوی چالشی «فرهیختگان» با مسعود اطیابی وضعیت اکران و ذائقه مخاطب تحلیل شد

۱۳ و ۱۲

روزنامه خبری تحلیلی، دانشگاهی صبح ایران

صدای نخبگان، نگاه جوانان

۱۶ صفحه

۵۰۰۰ تومان

فصل جدید: یادآور موضوعات روز

روایت سال‌های جنگ



www.Fdn.ir | ۱۵ | No. 4058 | 16 Pages

طرح احیای پلیس

طرح ضربتی مقابله با اشراو سارقان توسط فراکلید خورد ایستادن پلیس در نقطه خدمات اجتماعی می‌تواند منجر به افزایش سرمایه اجتماعی شود

صفحه ۷



آیین‌نامه‌های قبلی با وضعیت علمی دانشگاه‌ها چه کرده است؟

آیین‌نامه‌بازی با قطب‌های علمی

۴

مجید شاکری درگفت‌وگو با «فرهیختگان»:

این معادله ناعادی سازی است

۲

ضربه کاری نتانیاهو به حکمرانی در تل‌آویو

فروکاست دولت در رژیم صهیونیستی

۸

تاملی در میزان انطباق لایحه برنامه هفتم با سیاست‌های کلی نظام

برنامه هفتم؛ آنچه هست و آنچه باید باشد

ایجاد مشوق‌ها مورد تأکید قرار گرفته‌اند. حال آن که میزان تاثیرگذاری این مشوق‌ها محل اشکال است. علاوه بر بخش‌هایی از سیاست که در لایحه به کلی مغفول واقع شده‌اند، به برخی دیگر از مفاد سیاست توجه درخور نشده است. برای نمونه در ارتباط با تحکیم خانواده و رفع موانع رشد و شکوفایی بانوان، علی‌رغم این‌که در ماده‌های ۸۰، ۸۱ و ۸۱، تلاش‌هایی در راستای توجه به ابعاد گوناگون «تحکیم خانواده» و «رشد و شکوفایی بانوان»، ازجمله «افزایش زیرساخت‌های شتاب‌دهی نوآوری در حوزه زنان و خانواده» یا «تنوع‌بخشی به مدل‌های مهلک‌کرد» شده است، با این وجود نواقص و کاستی‌هایی در این حوزه به چشم می‌خورد. در ماده ۷۹ که به اهداف برنامه در حوزه «زن، خانواده و جمعیت» پرداخته است، بیش از آن که به شاخص‌های مفهومی، اعم از «میزان رضایت زوجین از زندگی زناشویی»، «میزان انطباق الگوی اعضای خانواده با الگوی اسلامی» یا «میزان احترام به والدین در خانواده» پرداخته شود، شاخص‌های کمی و فیزیکی ازجمله تعداد مراکز تخصصی مشاوره و برگزاری کارگاه‌ها و دوره‌های آموزشی مورد توجه قرار گرفته شده است. توضیح آن که اکتفا به شاخص‌های کمی را می‌توان در کاهلی نظام سیاستگذاری کشور نسبت به تدوین شاخص‌های بومی جست‌وجو کرد. درحالی‌که امروزه در دنیا به‌ارزای کیفی‌ترین مفاهیم، شاخص‌هایی تدوین شده که مورد ارزیابی قرار می‌گیرند. در کشور ما ورود به حوزه شاخص‌سازی مبتنی بر مبانی بومی، به منطقه ممنوعه‌ای تبدیل شده که روشنفکران غرب‌پرست با ادعای لزوم تبعیت از شاخص‌های جهانی و متحجران دگم‌اندیش با ادعای برهیز از آلوده شدن به پوزیتیویسم با آن مخالفت می‌کنند. در نتیجه برای سنجش میزان تحکیم خانواده، تعداد مراکز مشاوره فارغ از محتوای کاری آن به یک شاخص در نظام سیاستگذاری کشور تبدیل می‌شود! همچنین در ارتباط با رفع موانع رشد و شکوفایی بانوان، در لایحه برنامه به جز رفع موانع اشتغال آنها موضوع قابل توجه دیگری ذکر نشده است. گویی رشد و شکوفایی بانوان صرفاً در آن است که از مهارت‌های شغلی برخوردار باشند و داشتن سایر مهارت‌های زنانه به‌عنوان همسر و مادر، محلی از اعراب ندارد! به‌وضوح می‌توان جای خالی نکاتی را که رهبر انقلاب در دیدار اخیر خود با جمعی از بانوان در تاریخ ۶ ماه بر آن تأکید کردند، در لایحه برنامه مشاهده کرد؛ توجه به عدالت جنسیتی در مقابل برابری جنسیتی، امنیت بانوان، توانمندی‌های اجتماعی و سیاسی و ظرفیت‌های جسمی و روحی آنان ازجمله عواملی‌اند که در راستای رشد و شکوفایی بانوان می‌بایست در کنار مهارت‌های شغلی در نظر گرفته شوند. به علاوه در بخشی از سخنان رهبر انقلاب، حضور در مشاغل به شرطی مفید دانسته شده است که بانوان راز برداختن به «مشغله مهم اساسی» خود که عبارت است از خانه‌داری و فرزندآوری محروم نکنند. حال آن که در لایحه مذکور اشاره‌ای به موارد فوق نشده و رشد و شکوفایی بانوان صرفاً از مسیر ارتقای مهارت‌های شغلی آنها دنبال شده است. این درحالی است که نسخه «برابری جنسیتی» که در سخنرانی مذکور مورد انتقاد رهبر انقلاب قرار گرفت، تجویز سازمان ملل متحد برای کشورهای دیاست که به‌عنوان پنجمین آرمان از آرمان‌های ۱۷ گانه این سازمان، می‌بایست تا سال ۲۰۳۰ تحقق پیدا کند. می‌توان زدپای این «همان‌پنداری رشد و شکوفایی زنان با اشتغال آنان را در اسناد و مستندات سازمان ملل متحد جست‌وجو کرد. برای نمونه آنتونیو گوتش، دبیرکل سازمان ملل در پیام خود به مناسبت روز زن در سال ۲۰۲۱، اولین مولفه‌ای را که در خصوص مخدوش شدن برابری جنسیتی در دوران کرونا مورد توجه قرار می‌دهد، نابودی مشاغل عالی زنان است.

خلاصه کلام اینکه کم‌توجهی به این اصل اساسی در سیاستگذاری که سیاست‌های سطوح میانی و خرد می‌بایست به سیاست‌های سطح کلان مقید باشند از سویی و کم‌توجهی به مبانی انقلاب اسلامی در تدوین برنامه‌ها از سوی دیگر و نیز کم‌توجهی به این اصل مبنایی که «سیاستگذاری، کار تکنوکرات‌ها نیست»، این خطر را متوجه نظام برنامه‌ریزی کشور می‌کند که خواسته یا ناخواسته، اهداف سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی پیاده‌سازی و اجرایشود. متأسفانه بعضاً نظام برنامه‌ریزی کشور در اختیار کارشناسانی قرار می‌گیرد که نه شناخت دقیقی از مبانی سیاستگذاری دارند و نه اشراف چندانی به مبانی انقلاب اسلامی، بلکه صرفاً در یک حوزه تخصصی مسلط می‌باشند. حال آن که «سیاستگذاری، مهندسی تخصص‌هاست». ما حاصل چنین سرباطی در حوزه فرهنگ این خواهد بود که همچون گذشته بار اصلی پیشبرد اهداف فرهنگی انقلاب اسلامی بر دوش جریان غیررسمی، اعم از نیروهای انقلابی و هیات‌ها خواهد بود. نظام برنامه‌ریزی رسمی یارای مقابله با تهاجم فرهنگی دشمن و اقدامات آفندی در این حوزه را ندارد و نیازمند تغییراتی در فرم و محتوا است.

سجاد سکتی پژوهشگر اقتصادی

مطابق اصول و مبانی سیاستگذاری، سیاست‌های سطح میانی و خرد باید از سیاست‌های سطح کلان تبعیت کنند. در جمهوری اسلامی ایران سیاست‌های کلی نظام پس از قانون اساسی، عالی‌ترین سطح را در هر سیاستی به خود اختصاص داده‌اند. در نتیجه سیاستگذاری در سطوح پایین‌تر می‌بایست منطبق بر آنها انجام شود. در واقع قوانین مجلس شورای اسلامی و مقررات، آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های دولت برای تحقق سیاست‌های کلی نظام وضع می‌شوند. فلسفه تدوین این سیاست‌ها، جهت‌دهی به سایر سطوح سیاستی و یکپارچه‌سازی آنها است. سیاست‌های کلی برنامه‌های پنج‌ساله، یکی از انواع سیاست‌های سطح کلان در کشور است. مبنی بر این سیاست‌ها - که در واقع برش‌های ادواری از سیاست‌های کلی ثابت جمهوری اسلامی ایران می‌باشند - قوانین برنامه پنج‌ساله کشور تدوین می‌شود و به همین ترتیب ابشار سیاستی تا مرحله اجرای سیاست، ادامه می‌یابد. یکی از مواردی که در ادوار مختلف در محافل کارشناسی و سیاستی کشور مورد بحث و بررسی قرار گرفته است، میزان انطباق قوانین برنامه با سیاست‌های کلی بوده است. در واقع انتظار می‌رود برنامه‌های پنج‌ساله توسط دولت و مجلس به‌گونه‌ای تدوین شوند که اولاً با سیاست‌های کلی مغایرت نداشته و ثانیاً منطبق و هم‌راستا با آنها باشند. امروز و پس از پشت سر گذاشتن شش برنامه پنج‌ساله، در آستانه تصویب برنامه هفتم قرار داریم. برنامه مذکور در قالب یک لایحه در دولت تدوین و پس از تصویب مجلس شورای اسلامی، به منظور تأیید نهایی به شورای نگهبان و مجمع تشخیص مصلحت نظام ارسال شده است. این نوشتار بر آن است تا بررسی مختصری در رابطه با میزان انطباق بخش فرهنگی و اجتماعی برنامه هفتم با سیاست‌های کلی برنامه داشته باشد.

در بندهای ۱۳ تا ۱۸ از سیاست‌های کلی برنامه به موضوعات فرهنگی و اجتماعی پرداخته شده است. در هر کدام از بندهای مذکور اهداف محوری به ترتیب عبارتند از: «اعتلای فرهنگ عمومی»، «تقویت کارایی و اثر بخشی رسانه ملی»، «تحکیم خانواده و رشد و شکوفایی بانوان»، «افزایش نرخ باروری»، «توسعه گردشگری و صنایع دستی» و «نهانپا (ارتقای سلامت اجتماعی و پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی». علاوه بر اهداف مذکور، سیاستگذار به منظور جهت‌دهی دقیق‌تر به نظام سیاستی کشور، ابعادی را نیز ذیل برخی از اهداف تعیین کرده است تا میزان کلی بودن آنها بکاهد و مسیر شفاف‌تری را در مقابل نظام اجرایی بگشاید. برای نمونه، اعتلای فرهنگ عمومی در شش محور تحکیم سبک زندگی اسلامی - ایرانی، تقویت همبستگی ملی، تقویت اعتماد به نفس ملی، ارتقای هویت ملی، ارتقای روحیه مقاومت و ارتقای روحیه کار و تلاش در جامعه، جهت‌دهی شده است. همچنین در برخی از موارد راهبردی‌هایی برای تحقق اهداف مورد توجه قرار گرفته‌اند؛ ازجمله در بند ۱۳ به بسیج «امکانات و ظرفیت‌های کشور»، «دستگاه‌ها و نهاد‌های دولتی»، «دستگاه‌ها و نهاد‌های مردمی» و «افراد و شخصیت‌های اثرگذار علمی و اجتماعی» اشاره شده است. از سوی دیگر آنچه در لایحه برنامه هفتم در ارتباط با مباحث فرهنگی و اجتماعی مورد توجه قرار گرفته است، فصول پانزدهم تا هفدهم این لایحه است. بررسی تطبیقی سیاست‌های کلی و لایحه برنامه نشان می‌دهد برخی از بخش‌های سیاست به کلی در لایحه مغفول واقع شده است. برای نمونه، در لایحه هیچ اثری از پرداختن به مفهوم «فرد و شخصیت‌های اثرگذار علمی و اجتماعی» در راستای «اعتلای فرهنگ عمومی» که در سیاست به آن اشاره شده است، دیده نمی‌شود. حال آن که برخی از معضلات و اعوجاجاتی که در سال‌های اخیر گریبان کشور را در حوزه‌های فرهنگی، سیاسی و اجتماعی گرفته ناشی از بی‌توجهی به شخصیت‌های اثرگذار علمی و خصوصاً اجتماعی در سیاستگذاری‌های فرهنگی می‌باشد. این درحالی است که در دنیا سیاستگذاری در خصوص سلبریتی‌ها و افراد مشهور به یک سرفصل مشخص تبدیل شده است. با این وجود کماکان نگاه مسئولان فرهنگی به این افراد نگاهی تهدیدمحور و ستیزه‌جویانه است. درحالی‌که انتظار می‌رود دستگاه‌های متولی برای تعامل با شخصیت‌های مطرح علمی و اجتماعی، برنامه‌ریزی کرده و از ظرفیت‌های آنها در راستای اعتلای فرهنگ عمومی بهره‌گیرند. همچنین بند ۱۶ سیاست‌های کلی، افزایش نرخ باروری از طریق اصلاح فرهنگی را مدنظر قرار داده که علی‌رغم اشاره به این موضوع در صدر ماده ۸۱ لایحه، در محتوای کاربردی آن توجهی به این موضوع نشده است. در واقع، در ارتباط با موضوع افزایش نرخ باروری بیش از آن که به اصلاح فرهنگی توجه شود، رفع موانع و

۱۰ کرسی کاهش نسبت به آخرین انتخابات در سال ۲۰۲۰. در مقابل اما KMT که دوستدار روابط با پکن است ۵۲ کرسی را به دست آورده است. حزب کوچک‌تر مردم تایوان هشت کرسی را به دست آورد، درحالی‌که مستقل‌های همسو با KMT دو کرسی باقی‌مانده را به دست آوردند. اکثریت مطلق حداقل به ۵۷ کرسی نیاز دارد. با نتیجه انتخابات روز شنبه تایوان، دولت بعدی این جزیره، با سه چالش کلیدی پیش‌رو است که چین در حال ظهور تنها یکی از آنهاست.

۱ پکن ناراضی خواهد بود

این نتیجه‌ای است که پکن از آن می‌ترسید و علاقه‌ای به آن نداشت. در پاسخ به این انتخابات، چن بینهوا، سخنگوی دفتر امور تایوان چین گفت که DPP نماینده افکار عمومی جریان اصلی در جزیره نیست؛ «این انتخابات نمی‌تواند الگوی و جهت اصلی روابط بین‌تنگه‌ای را تغییر دهد و نمی‌تواند مانع از این روند عمومی شود که سرزمین مادری سرانجام و ناگزیر به هم پیوند خواهد خورد.» پکن هشت سال پیش یعنی از زمان انتخاب تسای اینگ ون، ارتباطات رسمی خود را با تأییه قطع کرده است. رئیس‌جمهور منتخب متعهد شده مسیر تعیین‌شده توسط تسای را ادامه دهد. گفته شده دولت بایدن قصد دارد در آینده نزدیک یک هیات غیررسمی را برای دیدار با دولت آینده به تایوان بفرستد. در این زمینه کاتلین کالدروود و شین یون وو در مقاله‌ای در ABC استرالیا از احتمال نوعی واکنش نظامی پکن در هفته‌های آینده نسبت به تحولات تایوان خبر دادند.

۲ حکومت برای لای آسان نیست

انتخابات ریاست جمهوری تایوان به‌طور سنتی بین دو حزب اصلی - حزب حاکم فعلی دموکراتیک مترقی (DPP) و اپوزیسیون اصلی، کومینتانگ - برگزار می‌شود. تایوان از نظر تاریخی مشارکت بالایی در رأی‌دهندگان دارد. نزدیک به ۷۲ درصد از واجدین شرایط رأی دادن در روز شنبه رأی دادند. اما این بار، سومین رقیب جدی وجود داشت، حزب مردم تایوان (TPP) و رسماً سیاست تایوان وارد یک سیستم سه حزبی شده است. TPP با کسب حدود یک چهارم آراء، با حضور در قوه مقننه قادر خواهد بود به ایفای نقش اقلیت تعیین‌کننده بپردازد. این وضعیت یک رنگ بیدارباش برای DPP است که جوانان - که قبلاً بخش مهمی از پایگاه رأی دهندگان آن بودند - به حزب دیگری روی آورده‌اند.

۳ طرف برنده باید مذاکره کند

آنچه DPP نتوانست انجام دهد، این است که اکثریت را در پارلمان تایوان به دست آورد. لو ناچمن، دانشمند علوم سیاسی از دانشگاه ملی چنگچی در تأییه می‌گوید حرکت در این مسیر برای لای و دولتش یک چالش خواهد بود؛ «بسیار واضح است که TPP مایل است با هر کسی که بهترین معامله را به آنها می‌دهد، کار کند. TPP اکنون در جایگاه پادشاهی قرار دارد.» لای گفته به مطالعه سیاست‌های مخالفانش می‌پردازد و اگر به نفع تایوان باشد، آنها را در دستورات خود قرار خواهد داد. یکی از نقاط تنش که TPP می‌تواند کلید آن را داشته باشد، هزینه‌های دفاعی است،

یادداشت

سیدمهدی طالبی خبرنگار گروه جهان‌شهر

برای سومین بار مردم تایوان در انتخابات سراسری (ریاست جمهوری و پارلمان) به نامزد حزبی رأی دادند که در مواضع بیشترین واگرایی را نسبت به چین داشت. در این انتخابات سرنوشت ساز ویلیام لای چینگ‌ته نامزد حزب حاکم با حدود یک میلیون رأی اختلاف، پیروز انتخابات ریاست جمهوری اعلام شد. انتخابات تایوان بین حزب حاکم دموکراتیک مترقی DPP و حزب مخالف کومینتانگ KMT پیش از تایوان، برای پکن و واشنگتن دارای اهمیت بود. سیاست حزب کنونی حاکم (DPP) مصر بر دور نگه داشتن تایوان از نفوذ پکن است اما حزب رقیب (KMT) خواستار گسترش روابط تجاری با چین است و بر این باور است که این سیاست، خطر بروز جنگ احتمالی را کاهش می‌دهد. از دیگر سو حزب مردم تایوان TPP که حزبی تازه محسوب می‌شود و در سال ۲۰۱۹ تأسیس شده در نظر دارد تعامل با چین را احیا کند. این نخستین بار از زمان تصویب روند انتخابات مستقیم ریاست جمهوری تایوان در سال ۱۹۹۶ است که یک حزب توانسته برای سه دوره متوالی، قدرت را در انحصار خود نگاه دارد. به دلیل مداخلات آمریکا در تایوان، پکن با حساسیت زیادی این انتخابات را دنبال می‌کرد و حتی آن را «گزیر بین» «جنگ یا صلح» خوانده بود. چین، تایوان را بخش جدایی‌ناپذیر از سرزمین اصلی خود می‌داند و از همین روشی چین پیشگام، رهبر چین چند هفته پیش اتحاد تایوان با سرزمین مادری (چین) را موضوع «غیرقابل اجتناب تاریخی» خوانده بود اما سرنوشت انتخابات به گونه دیگری رقم خورد و مردم تایوان به فردی رأی دادند که چین در آستانه انتخابات، او را یک «جدایی طلب خطرناک» می‌خواند و درخواست‌های او برای گفت‌وگو را رد می‌کرد.

پکن تلاش‌های دیپلماتیک خود را برای خنثی کردن هرگونه تلاش برای تأیید یا استقلال تایوان افزایش داده است و پس از اینکه این جزیره ویلیام لای چینگ‌ته از حزب دموکراتیک مترقی را به‌عنوان رئیس‌جمهور بعدی خود انتخاب کرد؛ برای خطرات بیشتر از طریق تنگه‌آماده شده است. چین هرگونه حرکت به سمت استقلال رسمی تایوان را «به معنای جنگ» می‌داند. پکن، تایوان را خط قرمز خود می‌داند. شین جین‌پینگ اواخر سال گذشته به بایدن هشدار داد که تایوان «بزرگ‌ترین و خطرناک‌ترین موضوع» در روابط ایالات متحده و چین است. اکثر کشورها، ازجمله ایالات متحده، تایوان را به‌عنوان یک کشور مستقل به رسمیت نمی‌شناسند و حتی جو بایدن رئیس‌جمهور آمریکا بلافاصله پس از اعلام نتایج انتخابات گفت: «ما از استقلال تایوان حمایت نمی‌کنیم» اما واشنگتن در عمل رفتارهایی از خود نشان می‌دهد. مرحله مرحله تایوان را به سمت استقلال یا حداقل تقابل نظامی با چین سوق می‌دهد. یکی از این اقدامات، تعهد واشنگتن به تسلیح این جزیره است.

با وجود نتایج انتخابات سراسری، برخی تحلیلگران معتقدند نتیجه آنقدرها هم به‌ضرر چین نبوده است. در این انتخابات DPP در حفظ اکثریت خود در پارلمان ناکام بماند و این برای پکن یک پالس مثبت است. حزب دموکراتیک خلق از ۱۱۳ کرسی پارلمان تنها ۵۱ کرسی یعنی